

اثربخشی باورهای دینی در پیشگیری از ارتکاب اعمال منافی عفت و مجرمانه

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۵/۰۲، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۹/۲۰)

دکتر سید حسام‌الدین حسینی

چکیده

رسیدن به یک نظریه تعدیلی با ایجاد یک نهاد پیشگیرانه در درون افراد است، که حتی اگر انسان هیچ تدبیر پیشگیرانه‌ای را نیز در مقابل خود ننیند و فرصت بزهکاری دور از چشم‌های مراقبتی مهیا باشد باز هم به دلیل ایجاد یک عامل پیشگیر موثر در درون، خود فرد عدم انجام جرم را با دلایل دینی و عقلی انتخاب می‌کند. ریشه بسیاری از جرائم و انحرافات در ذهن و روان آدمی شکل می‌گیرد. به طور کلی جرم محصولی از انباشت عقده‌ها، خواسته‌ها، نداشتن‌ها، تحریکات و ترغیبات بیرونی و غرائضی است که انسان در یک پروسه‌ای در ذهن خود عناصر آن را در کنار هم گذارده و با محاسبه سود و زیان دست به ارتکاب آن می‌زند. حال آنکه در هر مرحله از این انباشت باورهای دینی و اعتقادات مذهبی می‌تواند وارد شود و عامل محرک وقوع جرم را خنثی و کفه گرایش‌ها را متعادل سازد.

واژگان کلیدی: باور، دین، تعدیل، گرایش، گرایش مجرمانه





بخش اول: کلیات

آنچه به آدمی شخصیت داده و هویت واقعی او را شکل می‌دهد که بوسیله آن معنایی برای انسان بودن می‌یابد و او را از علل باطل و سوالات بی‌پاسخی همچون من کیستم، چرایی زیستن و زندگی بعد از مرگ نجات می‌دهد همانا اعتقاد به وجود خداوندی است که به حال همه بندگان آگاه است. این باور به خداوند است که در زندگی راهنمای انسان است. از بسیاری فسادها، گناه‌ها، پوچ‌انگاری‌ها، یاس‌های متعدد، نداشتن‌های مادی‌رهایی می‌بخشد.^۱ اعتقاد به وجود یک آفریدگار دانا و حسابگر اثر روانی زیادی نیز بر آدمی دارد و باعث آرامش درون او در برخورد با مسائل و مشکلات می‌گردد. به عنوان مثال ممکن است از بسیاری از نا عدالتی‌ها در دنیا رنج ببرد اما ایمان دارد که در ترازوی خداوندی خللی راه نمی‌یابد و همه چیز در محضر عدل الهی به حساب کشیده خواهد شد. چنین تفکری باعث آرامش انسان می‌شود. زیرا می‌داند که در یک محکمه با اطمینان به این مسائل رسیدگی شده و دیگر خود در صدد گرفتن آن بر نمی‌آید. سرشت آدمی با نسیان و غفلت عجین شده است. انسان‌ها به علت غفلت از خدا مرتکب گناه و جرم می‌گردند. هر زمان نفس، آدمی را به سوی حرص و طمع و حسادت و دروغ و ریا سوق می‌دهد و به پایمال کردن حق دیگران عادت می‌دهد. در مقابل این انگیزه و گرایش‌های منحرف و مجرمانه قوی باید یک عاملی قوی و بازدارنده وجود داشته باشد که جلوی این طغیان شهوات را بگیرد. یاد خدا از طریق ذکر او و به جا آوردن اعمال دینی مانند نماز و دعا بهترین عامل بازدارنده انسان از گناه و جرم است. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لِذِكْرِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ: همانا نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد.»^۲ وقتی که فردی وجود خدایی را باور دارد که خالق همه چیز است، بخشنده و مهربان است و با چنین خدایی ارتباط معنوی پیدا می‌کند و روحش سرشار می‌شود تمام امور معطل مانده و خواسته

^۱ همان، صفحه ۸

^۲ عنکبوت/۴۵



های اجابت نشده او را به خدایش وا می‌گذارد. اگر کسی به او توهین کرد در صدد انتقام بر نمی‌آید و با گذشت با دیگران برخورد می‌کند. یا اگر هم امری را تحمل نکند از خسارت و تعدی بیشتر به حقوق او خودداری می‌کند. همین عامل باعث می‌شود که از زهر جرائم کاسته شود. این افراد به علت ارتباطات معنوی، آرامش بالایی دارند و نگرانی‌ها و تشویش‌های خود را تعدیل می‌کنند و در برابر سختی‌ها همین باور به کمک آنها می‌آید و از غرق شدن در گرداب گناه و بزه در امان می‌مانند.

بند اول: باور به آگاهی خداوند

«رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا تَخْفَىٰ وَ مَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ: پروردگارا بیگمان تو آنچه را که پنهان می‌داریم و آنچه را که آشکار می‌سازیم می‌دانی، و چیزی در آسمان و در زمین بر خدا پوشیده نمی‌ماند.»^۱ اگر آدمی به واقع خدا را ناظر بر اعمال و رفتار خود بداند و باور داشته باشد هر کاری که می‌کند خداوند بر او ناظر است آیا دیگر به سمت ارتکاب عمل ناشایست کشیده می‌شود؟ «أَنَّهُا إِنْ تَكَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ: اگر (عمل تو) هم وزن دانه خردلی و در تخته سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد خدا آن را می‌آورد که خدا بس دقیق و آگاه است.»^۲ «إِذْ يَتَلَفَّى الْمُتَّقِينَ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَصِيدًا: به خاطر بیاورید هنگامی که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسان هستند اعمال او را دریافت می‌دارند.»^۳ انسانی که باور دارد و ایمان دارد که همه اعمال و گفتار او مورد نظارت الهی است نباید خود را در موقعیت‌های مجرمانه و اعمال گناه‌آلود قرار دهد. این نوع نظارت از سوی فرشتگان در اصل به همان نظارت الهی بر می‌گردد و مانند پیشگیری وضعی در خارج از وجود انسان می‌تواند یک نوع

^۱ ابراهیم/۳۸

^۲ لقمان/۱۶

^۳ قاف/۱۷



پیشگیری در درون وجود انسان تلقی شود. با این تفاوت که در آنجا به جای پاسبان و پلیس، فرشتگان ناظر اعمال انسان هستند. احساس نظارت و حضور دائمی و باور به آگاهی خدا از اعمال آدمی و در کلیه حالات و رفتار و اعمال انسان یکی از موثرترین راه‌های پیشگیری کننده از وقوع جرم نیز محسوب می‌شود. زیرا همواره فرد، خدا را در همه احوال ناظر بر خود می‌بیند و عالم را محضر خدا می‌داند و اگر انسان درک صحیحی از جایگاه و مقام خود داشته باشد و هر چه ایمان او محکم‌تر باشد از افتادن در دام انحرافات و جرائم و آلوده شدن به گناه مصون‌تر خواهد بود.^۱ «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي: آیا انسان نمی‌داند که خدا او را می‌بیند؟!»^۲ «خَفِ اللَّهُ كَأَنَّكَ تَرَاهُ: از خدا بترس آنگونه که او را می‌بینی.»^۳ «اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ: خداوند از هر کاری که انجام می‌دهید آگاه است.»^۴ «إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ: به درستیکه خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.»^۵ و می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید.» در اینجا نیز یاد خدا سبب می‌شود که شخص از افتادن به دام ارتکاب گناهان و جرایم دوری جوید و این امر خود سبب رستگاری فرد در دنیا و آخرت می‌شود. در واقع همانا ذکر عظمت و کرامت پروردگار مانع ارتکاب جرم از سوی اشخاصی می‌شود که حداقل ارتباطی با خالق هستی دارند. اساساً روح تعالیم دینی بر پایه ترس از خداوند است. انسانها از هر چیزی که بترسند از آن فرار می‌کنند ولی چون خداوند خود منبع بی‌پایان رحمت و بخشش الهی است نه تنها خوف آور نیست بلکه بندگان به او پناه می‌آورند و از شر شیاطین در امان می‌مانند. یک نوع خوف همراه با خشوع و احساس امنیت انسان را در بر می‌گیرد. احساس ترس خود یک عامل پیشگیرنده از وقوع جرائم و انحرافات است زیرا فرد می

^۱ رشادتی، جعفر، پیشگیری از جرم در قرآن کریم، تهران، انتشارات پیام راشده، چاپ اول، ۱۳۹۰، صفحه ۳۲۹ و ۳۳۰

^۲ علق/ ۱۴

^۳ بحار/ جلد ۵/ ص ۳۲۴

^۴ بقره/ ۲۳۴

^۵ بقره/ ۲۳۷



داند که خداوند اعمال او را می بیند و از ترس عذاب و خشم الهی سعی بر عدم انجام اعمال گناه و خلاف دارد.^۱

بند دوم: باور به دعا و اجابت آن توسط خداوند

از نظر قرآن انسان جز برای عبادت و پرستش خداوند آفریده نشده است. «و ما خَلَقْتَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُون: جن و انس را خلق نکردم مگر برای اینکه عبادت کنند.»^۲ به طور کلی مقصود از عبادت به جا آوردن اعمال خاص نیست بلکه انسان دائما باید به یاد خدا باشد و به هر طریق ممکن او را بخواند. چونکه خداوند متعال خود خالق انسان بوده خود او هم بهتر می داند که چه چیز برای انسان مفید و موثر است و باعث تعالی و رشد او می گردد.^۳ «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ: آگاه باش که دلها با یاد خدا آرامش می یابد.»^۴ انسان وقتی باور کرد در میان تمام این تلاطمات و طوفان های زندگی و ناپایداری همیشه یک تکیه گاه و یک پناه وجود دارد وجودش آرام می گیرد. اینکه یک فَعَال مایشاء یک اراده و یک حاکم در جهان حکمفرماست که همه امور به دست اوست. اینکه به هر دری می زند کسی پاسخش نمی گوید یا اگر پاسخ گوید از برای منافع خودش است. سپردن خود به کسی که آفریدگار اوست باعث سکون در درون آدمی می شود.^۵ «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ: از شکیبایی و نماز یاری جوید»^۶ این دعا و نماز و صبر است که به عنوان غذای روح، پایداری و نیرومندی و عدم گرایش به

^۱ میر بهبهانی، سید حسن، خوف و رجاء و اثرات تربیتی آن در قرآن و سنت، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، ۱۳۸۲-۱۳۸۳، صفحه ۶۳

^۲ الذّاریات/۵۶

^۳ حکیمی، محمد، انسان به روایت فلسفه و انسان به روایت قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، صفحه ۷۰

^۴ رعد/۲۸

^۵ مصطفی، دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، تهران، موسسه نشر و تحقیقات ذکر، چاپ چهارم، ۱۳۸۰، صفحه ۲۶۸

^۶ بقره/۴۵



سمت انحرافات در برابر ناملايمات را امكانپذير مي سازد. مثلا وقتي انسان به نماز مي ايستد سعي مي كند كه همه مشكلات و دغدغه ها را فراموش كند و فقط به نماز و مفاهيم آن توجه نمايد. اين تمرکز بر روی چیزهای خوب و برقراری رابطه عاطفی بین خدا و بندگانش می تواند به آرامش روحی و روانی افراد کمک کند و مشکلات زندگی در نظرش کوچک نماید. در انسان این تمایل و آگاهی هست که در برابر هر سختی و مشکلی به نیروهای ماورائی پناه می برد. نمونه آن در میان بسیاری از ادیان و فرقه ها پدیدار است. این نشان از یک اعتقاد به ماورای این جهان دارد. اینکه همیشه نیرویی برای حل مشکل وجود دارد که باید از او کمک خواست و او نیز پاسخ می دهد. در اسلام نیز انسان با ایمان در همه حالت خدا را می خواند (رک به: یونس/۱۲) در واقع دعا نوعی رابطه عاطفی میان انسان با خدای خویش است. انسان بسیاری از موارد را حتی با نزدیکترین کسان خود نمی تواند در میان بگذارد یا اگر هم در میان بگذارد کاری از دست آنان بر نمی آید. ولی این خداوند است که دعای بندگانش را می شنود و به آن پاسخ می دهد. به علاوه این عوامل یکی از مواردی است که باعث برون ریزی عاطفی افراد می گردد و احساس آرامش و رضایت به انسان دست می دهد که روان و روح آدمی را از حالت خشک و خشن می رها کند.^۱ این نیایش و دعا انسان را دوباره به یاد خود و چیزهای خوب می آورد و از وسوسه غفلت ها و فراموشی ها رهایی می بخشد. در سوره حمد یا دعاهای دیگر می خوانیم که خدایا ما را از غافلین و گمراهان قرار نده و ما را به خودمان وامگذار. از طرف دیگر دعا و نیایش یکی از راه های غلبه بر ناراحتی ها و غم ها و تلخی های زندگی است. دعا و نیایش می تواند به عنوان یک کارکرد روانی در تخلیه روح و روان و فشارهای ذهنی و راهی برای تحمل سختی ها عمل کند. این باورها و اعتقادات و دعا باعث می شود که احساسات

^۱ عباس نژاد، محسن، قرآن روانشناسی و علوم تربیتی، مشهد، موسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۹۰، صفحه ۱۹۱ «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ: پروردگار شما فرمود مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم.» (غافر/۶۰)



خوب و آرامش بخش به سمت او سرازیر شود.^۱ اثر دیگر باور به و اجابت آن از سوی خداوند این است که در اثر دعا و پاسخ آن از جانب خداوند فرد به یک حالت تعادل در روح و روان خود می‌رسد و اینکه در برابر خواسته خود که ناتوان از برآوردن آن است مرجعی هست که به نحوی پاسخگوی نیاز او باشد و از طریق فرد به رضایت برسد. این عامل بسیار در کاهش گرایش فرد به سمت ارتکاب جرم و گرفتن پاسخهای مجرمانه موثر است. اینکه افراد باورمند اگر دعایشان هم اجابت نگردد به علت داشتن یک پایگاه معنوی به جای پرخاشگری و اعمال مجرمانه در برابر مشکلات صبر می‌کنند و به سوال‌ها و چراهای خود پاسخی عاقلانه همچون حکمت خداوند و قسمت به عدم اجابت دعا می‌دهند خود یک پاسخ درست و اخلاقی در برابر برآورده نشدن خواسته‌های انسانی است.

بخش دوم: باور به معاد

معاد در لغت به معنای بازگشتن و محل رجوع است و در اصطلاح احیا و زنده شدن مردگان در روز رستاخیز می‌باشد. باور به معاد یکی از ارکان اساسی دین در همه ادیان و از اصول دین اسلام است. در دین توجه زیادی به معاد شده بطوریکه بنا بر تحقیق مورخان معاد و قیامت و ثواب و عقاب و بازگشت اعمال حدود هزار و هفتصد بار در قرآن آمده و بدین ترتیب یک سوم قرآن در مورد آن می‌باشد.^۲ «وَوَضَعَ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ». و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می‌نهم پس هیچ کس در چیزی ستم نمی‌بیند و اگر عمل هم وزن دانه خردلی باشد آن را می‌آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم.»^۳

^۱ روزنامه ایران، شماره ۵۴۸۷، مورخ، ۱۳۹۲/۰۷/۲۳

^۲ زنگنه، علی اصغر، الگوی زندگی برتر از نظر قرآن کریم، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد

ساری، ۱۳۸۶-۱۳۸۷، صفحه ۳۴

^۳ انبیا/۴۷



تو پنداری جهانی غیر از این نیست
 زمین و آسمانی غیر از این نیست

چو آن کرمی که در پيله نهان است
 زمین و آسمان او همان است

معاد به عنوان یک باور جهانی در تمام ادیان و ملل وجود داشته و دارد و به طور مستقیم با انسان و ابعاد وجودی او درگیر است. لازمه قبول معاد پذیرفتن روح به عنوان یک امر غیر مادی و حقیقتی فناپذیر است. هر انسانی در فطرت خود از هر گونه زوال و نیستی گریزان است و این میل به جاودانگی در درون انسانها باعث شده که همواره به ادامه بودن اعتقاد داشته باشد. حتی اگر بد هم باشد باز هم انسانها دوست دارند که مرگ پایان آنها نباشد و کسانی که مرگ را به عنوان پایان زندگی می دانند سخت از آن هراس دارند. میل به جاودانگی در انسان با این توجیه همراه است که هیچ میلی در طبیعت بیهوده نیست و درون و بیرون از وجود آدمی در ارتباط کامل است. همانطور که وقتی میل به غذا برای رفع گرسنگی در ما به وجود می آید به دنبال غذا در محیط بیرونی می رویم و به میل و نیاز خود پاسخ می گوئیم پس حتما برای میل به جاودانگی یک ما به ازای خارجی وجود دارد. مهمترین آثار و نتایج اعتقاد به معاد این است که هدفی متعالی و جاودانه برای انسان به وجود می آید. انسان دیگر در زندگی احساس پوچی نمی کند و احساس می کند که زندگی هدف دار است. اگر اعتقاد به معاد نباشد انگیزه عقلانی برای انجام امور پسندیده و کارهای خیر باقی نمی ماند همچنانکه برای ترک گناهان و مقاومت در برابر آنها انگیزه ای نمی ماند. چون انسان در مقابل چیزی که از دست می دهد چیزی به دست نمی آورد، چنانچه ممکن است آن چیز به درد زندگی این دنیایی انسان بخورد.^۱ در فلسفه نیهیلیسم (پوچ گرایی) می بینیم که جهان مادی غایت و هدف انسان است. انسان بر حسب اتفاق به این دنیا آمده و در آخر هم محو و نابود شده و دیگر هیچ

^۱ عزیزی، خداداد، انسان شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران



اثری از او باقی نمی‌ماند. تلخی این امر سبب اضطراب دائم و تردید افرادی که از این تفکر پیروی می‌کنند می‌شود. افرادی که درک درستی از آفرینش ندارند، زندگی را تنها در این دنیا معنا می‌کنند، دائماً در حال گله و شکایت هستند، و ناامیدی جای هیچ نقطه روشنی برای آنها باقی نگذاشته است. بسیاری از افعال مجرمانه نیز ناشی از همین حس تردیدهاست. گاهی مجرمان قبل از ارتکاب جرم تردید می‌کنند که به واقع هدفی برای زندگی انسان وجود دارد و یا هر عملی که انجام دهند در همین دنیاست و بعد از آن هیچ دنیای دیگری برای پاسخگویی‌شان در انتظار آنها نیست. این خود موجب حالت خطرناک افراد می‌شود و این افراد بالقوه آمادگی انجام جرم را دارند. افرادی چون ابوالعلاء معری که می‌گوید بر روی سنگ قبرم بنویسید: «این جنایت پدرم بر من بود و من بر احدی جنایتی نکردم». یعنی پدرم به علت اینکه سبب شد تا من به این دنیا بیایم بزرگترین جنایت را در حق من کرد ولی من ازدواج نکردم تا این جنایت را در حق دیگری نکنم.» اعتقاد به معاد در نزد باورمندان یک روش تربیتی و عامل نگهدارنده در برابر گناهان و جرائم نیز به شمار می‌آید. مکانیزم کیفر و پاداش اخروی خود می‌تواند یک عامل بازدارنده برای پیشگیری از وقوع جرائم عمل کند. این تدابیر تربیتی برای حذف یک رفتار غلط یا انحراف یا عدم ارتکاب عمل خلاف با مکانیزم پاداش دهی یا به کیفر رساندن نقش موثری در تربیت افراد و جلوگیری از ارتکاب آنان به اعمال نادرست واقع گردد.^۱ البته این انذار و پاداش هم درجاتی دارد که بعضی از مردم با یک اشاره کوچک بیدار می‌شوند ولی عده ای دیگر را باید با خشم و غضب بیشتری آگاه کرد.^۲ با معاد اندیشی اعمال انسان جهت گیری خاص پیدا می‌کند. سمت و سویی که در آن یاد معاد نقش پررنگی دارد. انسانی که معتقد است خداوند مالک روز رستاخیر است سعی می‌کند به سوی

^۱ برزینی، حمید، بررسی اعتقاد به معاد و نقش تربیتی آن از دیدگاه امام علی (ع)، کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد تهران مرکز، ۱۳۸۲، صفحه ۳۰۸

^۲ مهدوی نیا، محمدرضا، بررسی بشارت و انذار در قرآن با نگاهی به کتاب مقدس، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، تهران مرکز، ۱۳۸۴، صفحه ۱۲۰



او حرکت کند و از لغزشها و انحرافات دوری گزیند. این اعتقاد مستلزم تنظیم رفتار و اعمال است چرا که با این جهت گیری هرگونه رفتاری سازگار نیست. انسان با این نگرش به یک نوع تعادل و امنیت روحی روانی می رسد که تمام روان شناسان و جرم شناسان به دنبال این هدف هستند.^۱

بخش سوم: باور به توصیه های دینی

حال اینجا باور مومنان محک می خورد. ما در این فصل به بررسی باور افراد و نقش این باورها در جلوگیری از ارتکاب این جرائم می پردازیم. اینکه داشتن عفت و نگهداشتن چشم و زبان و خشم و شهوت چه تأثیری از عدم وقوع جرائم و انحرافات گرایش افراد به سمت جرم دارد. آیا باور به توصیه هایی که مکرراً از جانب دین به باورمندان شده است می تواند در پیشگیری از وقوع جرائم نیز موثر واقع شود؟ و عفت ورزی آیا راه مناسبی برای نیفتادن به دام جرائم و انحرافات و داشتن یک فکر و روح آرام در زندگی است؟

میلها همچون سگان خفته اند	اندر ایشان خیر و شر بنهفته اند
چون که قدرت نیست خفته این رده	همچو هیزم پاره ها و تن زده
تا که مُرداری در آید در میان	نفخ صور حرص کوبد بر سگان
چون در آن کوچه خری مردار شد	صد سگ خفته بدن بیدار شد
مو به موی هر سگی دندان شده	وز برای حمله دُم جُنبان شده
نیم زیرش حيله و بالا غضب	چون ضعیف آتش که او یابد حطب
صد چنین سگ اندر این تن خفته اند	چون شکاری نیستشان بنهفته اند



آری وقتی که می‌توان این سگان نفس را در گوشه‌ای نشانند پس چرا باید با مردار خری آنان را بیدار کرد؟ وقتی که می‌شود به راحتی از کنار گناه و انحرافی به آسانی گذشت، وقتی که می‌توان چشم را از گناه نگه داشت تا روح را وسوسه نکند، زبان را از غیبت و دروغ و هزاران آفت دیگر بر حذر داشت که کسی را آلوده نسازد و انسانی شکم باره نبود تا محرک بسیاری از ضایعات روحی و جسمی نگردد، و درباره شهوت جنسی عفت پیشه کرد تا هزاران بی‌آبرویی و معضلات و مشکلات دیگر به بار نیآورد به راستی چرا باید برای این سگان درون خوراک ایجاد کرد؟!؟

بند اول: توصیه به بردباری و گذشت از دیگران

به طور کلی هدف از توصیه در دین رساندن انسان به یک رشد معنوی است و رشد و تعالی نیز در گرو ایمان به خدا، ایمان به رسول اکرم (ص) ایمان به قرآن و دستورات و توصیه‌های دین است. بخشی از علل بزهکاری مربوط به عوامل بیرونی می‌باشد. تحریک، خود یکی از عوامل موثر در وقوع بزهکاری است. زدن حرف نامربوط توسط دیگری، توهین، یا عملی که باعث تحریک قوه خشم و انتقام شود، همه را می‌توان با صبر و گذشت از دیگران به راحتی نادیده گرفت. در علم جرم‌شناسی رفتار یا گفتار تحریک آمیز خود بزه دیده می‌تواند یکی از عوامل تشکیل دهنده جرم باشد که با یک صبر و با یک گذشت کوچک می‌توانست به وجود نیاید.^۱ باید روح تربیت شود، عادت کند به امور مثبت، و این جز با تمرین و توصیه و پر رنگ تر کردن امور معنوی با روح انسان عجین نخواهد شد. در دوران گذشته همانطور که می‌دانیم انتقام به شدت در میان مردم رواج داشت و کسی که عمل خلافی را انجام می‌داد نه تنها خود او بلکه خانواده و یا حتی جامعه محلی او نیز تاوان این عمل را می‌دادند. در بررسی تحولات دوران

^۱ فجرى، محسن، مبانی پیشگیری وضعی، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، مجموعه مقالات ارسالی نخستین

همایش ملی پیشگیری از جرم، جلد اول، تهران، شرکت ناجی نشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، صفحه ۳۹۸



های مختلف حقوق جزا نیز ما به دوره‌هایی مانند انتقام خصوصی تا تعدیل نسبی و در نهایت تعدیل کلی آن بر می‌خوریم. اما امروزه همه می‌دانند که اگر کسی عمل مجرمانه‌ای در مقام تضییع حق فردی انجام دهد بر مبنای اصل شخص بودن مجازات‌ها تنها خود او پاسخگو است و خانواده و اطرافیان او نقشی ندارند. حتی امروزه با دستاوردهای علم جرم‌شناسی ما دیگر حتی خود مجرم را در بسیاری از موارد یک مقصّر صرف و کسی که عامدانه هنجارها و قوانین را زیر پا گذاشته و یک شری که باید از جامعه دفع شود نمی‌دانیم. در خیلی از این موارد مجرم محصول شرایطی است که خود همان جامعه یا حتی خود شخص بزه دیده برای او رقم زده است. شرایطی از قبیل فقر، سرخوردگی‌های اجتماعی، توهین، تحقیر، عدم بروز شخصیت فردی، وراثت، محیط آلوده فرهنگی، تحریکات شخص بزه دیده، انگیزه‌های شرافتمندانه، عدم آگاهی و آموزش و... هزاران مسئله در به وجود آمدن شخصی به نام مجرم دخالت دارد. حال آیا ما در برخورد با این فرد این مسائل را در نظر می‌گیریم؟ آیا وقتی ما با چنین شخصی مواجه می‌شویم که حقی از ما ضایع کرده است نمی‌خواهیم که به اشد مجازات برسد؟ آیا خود ما در آن لحظه محصولی از خشم و نفرت و کینه خود نیستیم؟ در دین اسلام مکرر به گذشت و بردباری سفارش شده است. یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه طاهرین (ع) همین بردباری و گذشت از دیگران است. گذشت از دیگران نقش پیشگیری موثری نیز از ارتکاب جرائم آینده دارد و در تربیت فردی و اجتماعی افراد نیز موثر خواهد بود. به علاوه اینکه ترویج روح گذشت در جامعه باعث می‌شود روان اجتماع آرامش یابد و مردم دائم به دنبال انتقام و گرفتن حق از یکدیگر و تنبیه و تنبیه دیگران نباشند. چه اینکه همگان می‌گویند فلانی که از ما نگذشت چرا ما از او بگذریم؟! یکی از توصیه‌های دینی صبر، صبر بر معصیت است که اثرات فردی و اجتماعی را به همراه خود دارد. کسی که بر معاصی یا گرفتار شدن در عمل خلافی صبر پیشه می‌کند هر چند که سخت اما در بلند مدت هم باعث شکوفایی استعدادها و توانایی‌های خود و هم باعث اثرات مثبت بر اجتماع می‌گردد. صبر بر



معاصی و گناه دیگران یکی از عوامل موثر در پیشگیری از جرم است که می توان آن را در زیرمجموعه پیشگیری اجتماعی قرار داد. صبر از بسیاری کینه ها و عقده ها و تجسس های بی ثمر، انتقام و بسیاری از عوامل زمینه ساز جرم جلوگیری کرده و جامعه ای سالم و با نشاط همراه با محیطی سالم را منجر می شود.^۱

بند دوم: توصیه به عفت

عفت به معنای برتافتن، نهفتگی و پاکدامنی، پرهیزکاری و پارسایی و احتراز از محرمات خصوصا از شهوات حرام است.^۲ یکی از موکدترین تاکیداتی که در دین مبین اسلام بدان سفارش شده است عفت پیشه کردن و پرداختن به تزکیه و تهذیب نفس است. در احادیث و روایات تاکید زیادی بر نگهداری چشم و گوش و زبان و دیگر اعضاء و جوارح از پرداختن به باطل و نگهداری آنها از در معرض خطر قرار گرفتن فعل حرام مورد توجه و توصیه بوده است. تمامی اعضاء بدن نیز به همین نسبت در مقابل اعمال خود مسئولند. «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا: گوش و چشم و دل همه مسئولند.»^۳ امام (ره) در مورد تزکیه می فرمایند: «تزکیه قبل از تعلیم و تعلم است. یزکیهم. بیغمبر آمده است اینها را تزکیه بکند، نفوس را پرورش بدهد، نفوس را مهیا کند و بعد یُعَلِّمَهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ بعد تعلیم کتاب و حکمت بکند.»^۴ از تزکیه به عنوان پالایش درون از شوائب و در نهایت رسیدن به رشد و تعالی انسانی یاد می شود. تزکیه به عنوان بخش اصلی مقصد انبیا الهی و به عبارت دیگر مقصود

^۱ رشادتی، جعفر، پیشگیری از جرم در قرآن کریم، صفحه ۲۳۵

^۲ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد پنجم، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷، صفحه

۳۳۳

^۳ اسراء/۳۶

^۴ شرفی، محمد رضا، تربیت اسلامی با تاکید بر دیدگاه های امام خمینی (س)، تهران، موسسه نشر پنجره، چاپ اول، ۱۳۷۹، صفحه (۱۰۳) * ک به: دیلمی، احمد، آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ

هفدهم، ۱۳۸۲، صفحه (۱۵۲)



اساسی تعلیم و تربیت به حساب می‌آید. تهذیب و عفت پیشگی و تقوا مفاهیمی است که در جای جای تعالیم اسلامی به آنها بر می‌خوریم. حضرت امام (ره) می‌فرماید: «انگیزه بعثت این است که ما را از این طغیان‌ها نجات دهد و ما تزکیه کنیم خودمان را، نفوس خودمان را مصفا کنیم و نفوس را از این ظلمات نجات دهیم. اگر این توفیق برای همگان حاصل شود، دنیا یک نوری می‌شود نظیر نور قرآن و جلوه حق»^۱ این که به انسان سفارش می‌شود که از هوای نفس پیروی نکنید و به دنبال گام‌های شیطان نباشید و اینکه گرامی‌ترین شما نزد پروردگارتان با تقواترین شماست همه و همه نشان از اهمیت خودسازی و اجتناب از پیروی هوی و هوس دارد. دلیل آن هم این است که هواپرستی ابزار شناخت را از کار می‌اندازد. نه چشم حقیقت را می‌بیند و نه گوش حق را می‌شنود و نه دل درک صحیح دارد. دلیل هواپرستی گرایش به مادیات است و راه‌هایی از بند مادیات عفت پیشگی و تقوای الهی است.^۲ امام (ره) انسان را دارای دو نشئه و ساحت می‌داند که انسان می‌تواند بنا بر اراده و تربیت و تزکیه نفس در هر یک از این ساحت‌ها قرار بگیرد. ساحت اول نشئه ظاهریه ملکیه دنیویه که بدن و جسم و هر چه که مربوط به عالم مادی و ماده است را شامل می‌شود و نشئه باطنیه غیبیه ملکوتیه که از عالم دیگر است و نفس او هم مربوط به عالم غیب و ملکوت و دارای درجاتی است به قول مثنوی شریف:

نیمیم ز آب و گل نیمیم ز جان و دل نیمیم ز ترکستان نیمیم ز فرغانه

ایشان همچنین میل انسان را گاهی بسوی این نشئه و گاهی بسوی آن نشئه می‌دانند. بسیاری از عوامل در سوق دادن افراد به هریک از این دو ساحت موثر است. اگر انسان مشغول امور اولیه زندگی شود و در دنیا پرستی و وابستگی به دنیا کوشش کند دائم در ساحت اول می‌ماند و پا را

^۱ همان، صفحه ۸۷

^۲ رشادتی، جعفر، پیشگیری از جرم در قرآن کریم، تهران، انتشارات پیام راشده، چاپ اول، ۱۳۹۰، صفحه ۲۱۲



از عالم ملکيه دنيويه فراتر نمی گذارد ولی با پرداختن به تربیت نفس و تزکیه روح و عفت و تقواست که انسان به آن ساحت باطنیه سوق پیدا می کند. انسان از دیدگاه حضرت امام (ره) اعجوبه ای است که هم می تواند از او یک موجود الهی ملکوتی، یا یک موجود جهنمی و شیطانی ساخته شود. همه چیز در درون انسان وجود دارد، از این موجود پیغمبر اکرم (ص) و سایر پیغمبرها محقق شده است و ابوجهل و سایر ابوجهل ها هم هست. حسن و قبح و صلاح و فسادش بستگی به جهات روحی او دارد.^۱ به هر صورت این انسان است که با اعمال و انتخاب هایی که در زندگی می کند می تواند به موجودی خوب و اسوه و یا یک شریر و شیطان صفت تبدیل گردد. در حدیثی از حضرت علی (ع) می خوانیم: «مَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عَالَمِيَهُ وَمَنْ عَمِلَ لَدَيْهِ كُفَاءَ اللَّهِ أَمَرَ دِينَهُ، وَمَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَحْسَنَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ» آن کس که درونش را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح می نماید و هر کس برای دینش کار کند خداوند دنیایش را کفایت می کند و آنکس که میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند بین او و مردم را اصلاح خواهد کرد.^۲ همانطور که می بینیم اصلاح جامعه از اصلاح فرد آغاز می گردد و اصلاح و درست شدن همه امور به خود فرد باز می گردد. زیرا جامعه مفهومی سوای از افراد آن نیست. بلکه مفهومی است که از تک تک آنان تشکیل می شود و عمل هر یک از این افراد بر روی کل جامعه تاثیر گذار خواهد بود.

بخش سوم: توصیه به امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف فرمان دادن به کارهای نیک و نهی از منکر نهی کردن از ارتکاب از زشتی ها و گناه است. یکی از روشهای خوبی که به سالم سازی محیط و اشاعه خوبیها و طرد و حذف بدی ها می انجامد امر به معروف و نهی از منکر است. این امر جامعه را رشد می دهد و باعث

^۱ شرفی، محمد رضا، تربیت اسلامی با تاکید بر دیدگاه های امام، صفحه ۱۱۹-۱۲۳) * برای مطالعه بیشتر ر.ک به

اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، تهران، نشر میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵، صفحه ۶۶

^۲ سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مفاتیح القرآن، چاپ اول، ۱۳۸۷، حکمت ۴۲۳، صفحه ۵۲۳



ارتقا فضائل اخلاقی و جلوگیری از گمراهی جامعه می‌گردد. اما امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است و از چنان دقت و ظرافتی برخوردار است که یک اشتباه کوچک در آن نتیجه عکس دارد هیچ تاثیری ممکن است بر روی افراد نداشته باشد. از جمله اینکه:

۱- در نهی از منکر باید از منکرات مهم شروع کرد: مانند ابراهیم (ع) که از مهمترین منکر که شرک به خدا بود شروع کرد و ابتدا عمویش آذر را به خداپرستی دعوت کرد.

۲- اینکه قرآن کسانی را که به این فریضه و محیط افراد خود بی تفاوت باشند و حساسیتی نسبت به بدی‌های اطراف خود نشان نمی‌دهند سرزنش می‌کند «آنها که از بنی اسرائیل کافر شدند، بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعن و نفرین شدند. این به خاطر آن بود که گناه می‌کردند و تجاوز می‌نمودند، و از اعمال زشتی که انجام می‌دادند یکدیگر را نهی نمی‌کردند.»^۱

۳- باید از بدی‌ها اعلام انزجار نمود نه بدها: «مثلاً در سوره شعراء حضرت لوط (ع) می‌فرماید که من از کارهای شما بیزارم. نمی‌گویم که من از شما بدم می‌آید.»^۲ یا ابراهیم (ع) می‌فرماید: «من از آنچه بدان شرک می‌ورزید برائت می‌جویم و نمی‌گویم از شما برائت می‌جویم.»^۳ پس ما نباید امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک تسویه حساب شخصی یا محل قدرت‌نمایی و یا خالی کردن عقده‌ها قلمداد کنیم بلکه این امر مقدس باید وسیله‌ای برای بهتر شدن جامعه و پذیرش اشتباهات از سوی افراد قرار گیرد و رفتار ناشایست خود یکی از نمونه‌های بارز منکر است.

۴- امر به معروف و ناهی از منکر باید ابتداً خود عامل و عامر به آن باشد. پر واضح است کسی که خود به چیزی علم ندارد و آن را انجام نمی‌دهد نمی‌تواند از دیگری بخواهد که آن عمل

^۱ مائده/ ۷۸ و ۷۹

^۲ شعراء/ ۱۶۸

^۳ انعام/ ۷۸



را انجام دهد یا آن را نهد کند. «و ما أريدُ أنْ أخالفكم إلی ما أنهشکم عنه؛ من هرگز نمی خواهم چیزی که شما را از آن باز می دارم خودم مرتکب شوم.»^۱ ۵- در نهی از منکر باید با طرح سوال وجدان افراد را به قضاوت گرفت. همان گونه که ابراهیم به پدرش می گوید: «ای پدر! چرا چیزی را می پرستید که نمی شنود و نمی بیند و تو را از هیچ چیز بی نیاز نمی کند؟»^۲ یکی از جلوه های سیاست جنایی مشارکتی اسلام مشارکت دادن مردم در امور مربوط به واجبات و محرمات است. این امر بوسیله فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک تکلیف همگانی و عاملی در جهت سلامت جامعه از انحراف و پیشگیری از جرم و وظیفه ای برای تک تک شهروندان است. در مکتب فقهی گاهی از امر به معروف و نهی از منکر با عنوان دفاع همگانی یا دفاع اجتماعی در مقابل دفاع فردی یا دفاع مشروع یاد می شود.^۳

بند اول: بازسازی اجتماعی بزهار

«وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ اللَّهُ ذُنُوبَهُ إِلَّا وَكَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ.» (و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می آورند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده اند، با آنکه می دانند [گناه است] پافشاری نمی کنند.)^۴ کسی که توبه می کند به نوعی هجرت می کند، هجرت از گناهان، زیرا دیگر مقیم آن

^۱ هود/ ۸۸

^۲ (مریم/ ۴۲) (محمد قاسمی، حمید، روشهای تربیتی در داستان های قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹، صفحه ۵۲ و ۵۳)

^۳ فیض، علی رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، به نقل از فجری، محسن، مبانی پیشگیری وضعی، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، مجموعه مقالات ارسالی نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، جلد اول، تهران، شرکت ناجی نشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، صفحه ۳۹۱

^۴ آل عمران/ ۱۳۵



اعمال و کردار نیست و مثل یک مهاجر روحش به سوی یک موقعیت جدید و دور از فعل بد در گذشته در حرکت است. به همین دلیل انسانها وقتی توبه می کنند یک مهاجر هستند. نمونه های زیادی وجود دارد که در زندگی به این سفر درونی قدم گذاشته اند از جمله آنها فضیل عیاض یا بشر حافی که اولی پادشاه و دومی دزد و راهزن بودند که بواسطه شنیدن و یا دیدن یک نشانه تصمیم به ترک دیار گناه و معصیت گرفتند و راه سعادت و ماندگاری را در پیش. فضیل عیاض مردی بود که قطاع الطريق بود و بر مردم راه می بست و اموال آنان را به غارت می برد طوری که مردم از دست او آسایش نداشتند، یک شب از دیوار بلندی به قصد دزدی بالا رفت و بر روی آن نشست و وقتی خواست پایین بیاید صدای مرد عابد و زاهدی را شنید که قرآن می خواند. اتفاقاً به این آیه رسید که: «الْمَ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ أَيَا وَهْمٍ أَنْ نَرْسِيدَهُ» که مدعیان ایمان قلبشان برای یاد خدا نرم و آرام شود.^۱ انگار که این آیه به او وحی شده باشد و مخاطب شخص او باشد، پاسخ داد که آری وقت آن رسیده است. او از دیوار پایین آمد و دیگر دزدی و شراب و قمار نکرد و بعد از آن یک فرد عابد و متقی شد به طوری که ما او را امروزه به عنوان یکی از نمونه انسانهای عابد و زاهد روزگار خود می شناسیم.^۲ ما در اینجا باز هم یکی از مکانیزم های موثر باورهای دینی به نام توبه را ملاحظه می کنیم. با چه تعلیم و تربیت و مکانیزمی می شد یک سردسته راهزن و کسی که آسایش دیگران را سلب می کند را به یک فرد عابد و یک انسان به هنجار تبدیل کرد؟ که نه تنها دیگر به کارهای گذشته باز نمی گردد که خود یکی از اهداف عالی جرم شناسان و جزا دانان است که در باز پروری و باز اجتماعی کردن فرد بزهکار موثر واقع می گردد از سوی دیگر خود او به عنوان فردی الگو و نمونه می کوشد تا دیگرانی را گرفتار هستند رهایی بخشد و این از مکانیزم

^۱ حدید ۹

^۲ مطهری، مرتضی، آزادی انسان، تهران، انتشارات مکتب صادق، چاپ چهارم، ۱۳۹۰، صفحه ۱۷۲) (*ر ک به تذکره

الاولیاء، فرید الدین عطار نیشابوری



های باورهای دینی است. دلیل موفقیت آن هم این است که افراد در فطرت و ضمیر خود نا آشنا با این مسائل نیستند، اما غبار فراموشی و توجیهاات و دلایل واهی آنان را به سمت ارتکاب جرم می کشاند و به همین دلیل با تلنگری، یادآوری و نهادی به نام توبه دوباره فرد در مسیر درست و بهنجاری باز می گردد. تفاوت دیگر این است که در توبه بر خلاف مجازات ها فرد مأیوس از اینکه دیگر آب از سر او گذشته نیست و همیشه یک راهی برای بازگشت وجود دارد. بر خلاف مجازات ها که به محض وقوع فعل مجرمانه مجازات بر فرد بار می شود و راهی برای خلاصی از آن وجود ندارد. یکی از اهداف مهم تربیت اسلامی آشتی انسان با خود و اصلاح رابطه با خودش است. انسان ابتدا باید با خود آشتی کند تا بتواند با دیگران به آشتی برسد. کسی که با خود آشتی کند بیشتر به درون خود نظر می کند و در پی یافتن استعداد های خودش است، چنین فردی اگر هم از مسیر سعادت و کمال دور شده باشد بار دیگر می تواند به جاده سعادت باز گردد. انسان باید این حقیقت را درک کند که رستگاری او به تزکیه نفس او مرتبط است و باید برای اصلاح خود بکوشد آنگاه می بیند که جامعه نیز آغوش دوباره خود را برای او باز کرده است.^۱ در مکتب دفاع اجتماعی که بیشتر اجتماع مهم است تا افراد، به بازسازی افراد و اجتماع پذیری آنها بسیار توجه شده است، زیرا با سازگاری مجدد این افراد و بازگشت آنان به اجتماع خطر دوباره وقوع جرم از ناحیه آنان بسیار محدود می شود. یکی از این راهکارها گذشت از مجرم با وجود علائم پشیمانی در او می باشد.^۲ قرآن کریم نیز از وسیله بودن مجازات برای رسیدن به هدفی والاتر خبر می دهد، که خود مجازاتها اصل نیست بلکه سودی که عاید اجتماع و فرد مجرم می شود مد نظر قرار دارد. «ما یَفْعَلُ اللهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَ ءَامَنْتُمْ: خداوند چه نیازی به مجازات شما دارد، اگر شکرگذاری کنید و ایمان

^۱ خباز شیروان، زهرا، آموزه های تربیتی در مثنوی و تطبیق آن با روانشناسی نوین و معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و

ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد تربت حیدریه، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، صفحه ۳۷

^۲ ابراهیم پور لیالستانی، حسین، گزیده هایی از حقوق جزا در قرآن، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۱، صفحه ۱۳۷



آورید»^۱ مکتب "پراگماتیسم کیفری" به منظور آسیب زدایی از جامعه تلاش‌های گسترده ای را برای باز اجتماعی کردن بزهکار انجام داد. به طور کلی رویکرد این مکتب در شناسایی آسیب‌هایی که جامعه را تهدید می‌کند راه را برای اصلاح و اجتماعی کردن افراد بزهکار باز کرده و از این طریق جامعه را از آسیب ایمن می‌کند. در مکتب دفاع اجتماعی نوین نیز تلاش برای شناسایی عوامل آسیب‌زا ادامه یافت و اصلاح بزهکار پس از در اختیار گرفتن دستگاه قضایی مد نظر قرار گرفت. این مکتب در صدد آن است که ساز و کارهای لازم را برای انجام دوباره جرم توسط بزهکار مد نظر قرار بگیرد و همانطور هم که از اسمش پیداست دفاع از اجتماع و منافع اجتماعی برای او اصل است. از جمله راهکارهای عملی که این مکتب ارائه می‌دهد به گونه ای که به سمت کم‌رنج‌تر کردن دستگاه عدالت کیفری نیز به پیش می‌رود، حذف کیفر، برنامه‌های اصلاحی در زندان، گونه‌های متفاوت زندان همچون باز و نیمه باز، تعلیق مجازات، تعویق محاکمه، آزادی مشروط، به‌کارگیری مجرم در عرصه‌های مختلف برای خدمت به اجتماع و... از جمله روشهایی است که به باز اجتماعی کردن بزهکار کمک می‌کند.^۲

بند دوم: اعاده حیثیت از مجرم

«أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ: آیا ندانستید که خداوند همان کسی است که توبه را از بندگانش قبول می‌کند و صدقات را می‌پذیرد بدرستی که خداوند مهربانترین توبه پذیرنده است.»^۳ در این گفتار نظریه برجسب زنی (labeling process) مورد بررسی قرار می‌گیرد. این اصطلاح را در جامعه با نامهای انگ زنی، معروف شدن به یک نام می‌شناسند. نخستین بار توسط تانن بام (Tanenbaum) در

^۱ نور/ ۴

^۲ همان، صفحه ۱۳۷-۱۴۱

^۳ توبه/ ۱۰۴



کتابی به نام "جرم و اجتماع" مطرح گردید. اساس این نظر بر این مبنا است که بخشی از جرائم توسط قانون و عمل پلیس و دستگاه قضایی به وجود می‌آید. ممکن است قانونگذار عملی را جرم اعلام کند اما جامعه آن را جرم نداند و در مرحله بعد پلیس هم با این افراد سلیقه‌ای برخورد کند و در تعیین مصادیق به تشخیص خود عمل نماید. یا به دلیل داشتن رابطه زیاد مورد توجه دستگاه عدالت کیفری قرار نگیرد. به همین دلیل تفاوتی میان بزهکاران و غیر بزهکاران بوجود نمی‌آید و تنها تفاوتشان این است که عده‌ای که گرفتار شده‌اند برچسب مجرم بودن می‌خورند. اثر دیگر برچسب زنی تاثیر روانی است که بر فرد و اجتماع می‌گذارد. کسی که برچسب بزهکاری خورده دیگر نمی‌تواند از زیر بار این برچسب بیرون بیاید و خود را در قالب همان عنوان مجرمانه می‌بیند و دیگران او را با آن عنوان در جامعه می‌شناسند. پس سعی می‌کند رفتاری کند که دیگران از او انتظار دارند و در قالب جدید بزهکارانه خود قرار می‌گیرد. قالبی که خود قانون و جامعه برای او ساخته است.^۱ حتی بسیاری از انحرافات و خرده جرائمی که ناخواسته بوجود می‌آید خود جامعه به فرد هدیه می‌دهد. فرضا کسی که یک یا دوبار مواد مصرف می‌کند جامعه به او به چشم یک معتاد نگاه می‌کند و انگ اعتیاد مادام‌العمر بر روی آن فرد باقی می‌ماند. به همین دلیل در اسلام آبرو و حیثیت افراد از جایگاه والایی برخوردار است. حتی اگر کسی مرتکب جرم یا گناهی شد باید به این فرد کمک کرد و در بسیاری از موارد مانند اعمال منافی عفت توصیه اکید به پوشاندن اشتباه و عدم اشاعه فحشا شده است. در مکتب اسلام عقیده بر این است که انسان دارای کرامت خدادادی است و مادام که با ارتکاب معاصی و نیز تعرض و تجاوز به حقوق دیگران این حق را از خود سلب نکند دیگران مکلف به رعایت حقوق او هستند. ولی اگر به حقوق دیگران به عمد تعدی و تجاوز

^۱ زراعت، عباس، درآمدی بر علوم جنایی، تهران، انتشارات جاودانه (جنگل)، چاپ اول، ۱۳۹۱، صفحه ۴۱۶ (*ر ک به وایت، راب، هینز، فیونا، جرم و جرم شناسی متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی، ترجمه علی سلیمی، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۵، صفحه ۲۱۱)



کرد دیگر انسان آن انسان شریف که شایسته تکریم و تعظیم است دیگر نیست. لیکن، لعن و نفرینی که بزهکار برای خود خریده است بی پایان نیست. از این رو قانون اساسی که ملهم از تعالیم اسلامی است در اصل سی و نهم مقرر می‌دارد: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.» قوانین موضوعه نیز به تبع قانون اساسی به حفظ کرامت و حیثیت متهمان و محکومان دلالت دارد. رعایت شأن و مقام انسانی بزهکار در قلمرو اقدامات تامینی که هدف از آن رفع حالت خطرناک است به مراتب حساس تر است. زیرا در اجرای برخی از این اقدامات که جنبه درمانی دارند مانند ترک اعتیاد معتادان به مواد مخدر یا الکل و یا درمان بزهکاران مبتلا به بیماریهای روانی که مستلزم مداخله پزشکی است، به کار بردن هر شیوه ای حتی موثر پسندیده و سزاوار نیست. به این دلیل بعضی از کشورهایی که تا این سالها اقداماتی مانند سترون کردن بزهکاران جنسی یا برداشتن قسمتی از مغز معتادان را به منظور رفع حالت وابستگی مجاز می‌شمردند از آن پس این شیوه را منع کردند.^۱ سوالی که ممکن است برای اعمال مجازات پیش بیاید این است که مجرم باید تا چه زمانی عواقب عمل خود را تحمل کند و دور از جامعه قرار بگیرد، به هر حال جامعه در پی آن نیست که آن فرد را برای همیشه از خود طرد کند و از حقوق اجتماعی محروم نماید. به همین دلیل به انحاء مختلف سعی در باز اجتماعی کردن مجرم می‌نماید. در قانونگذاری‌های مختلف مدتی را برای محرومیت فرد از حقوق اجتماعی معین می‌کنند که بعد از آن مدت فرد می‌تواند به عنوان یک شهروند عادی به جامعه باز گردد.^۲

^۱ اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران، نشر میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵، صفحه ۱۴۴-۱۴۵

^۲ نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، نشر دادآفرین، چاپ هفتم، ۱۳۸۲، صفحه ۵۲۱



نتیجه گیری

جامعه ای در راه مقابله با جرائم و انحرافات موفق است که یک سیاست جنایی خوب داشته باشد، اتکایش به داده های کیفری صرف نباشد، پیشگیری را سرلوحه امور جنایی خویش قرار دهد و چه بهتر که این سیاست به جای به کار بردن وسایل ابزار و امکانات در محیط بیرونی که اغلب با دشواریها نارساییها و عدم موفقیت همراه است در درون هر فرد آدمی نهادینه شود. انسان فی حد ذاته و در فطرت خویش دو گرایش دارد، یکی به سمت خوبی و خیر و دیگری به سمت بدی و شر. تصور انسانی بدون هر یک از این دو وجه متضاد دارای اشکال خواهد بود. کما اینکه باورهای دینی و آیات قرآنی موکد این مطلب است. در مورد گرایشات منفی غریزی، نه می تواند این گرایشات را به طور کامل حذف کند و نه می تواند عنان آن را از دست خارج کرده و بی مهابا آن را در اجتماع جولان دهد. اما نیروهایی در درون وجود دارد و یا اینکه انسان می تواند آن را به وجود آورد که با متعادل ساختن روان و کاهش گرایش به سمت وجه بد انسان و هدایت این گرایش ها به مسیر درست را هموار سازد. و دین و باورهای دینی با مکانیزم های خود که با فطرت و ذات وجودی انسانی نیز هماهنگ است می تواند بهترین وسیله برای نیل به این مقصود باشد. تمام روشهای پیشگیری از جرم دارای نقایص و مشکلاتی است. کما اینکه اگر هم در مقابل جرم این روشها موثر باشد در مقابل انحرافات کاملاً عقیم هستند و آن بازدارندگی درونی را برای افراد به وجود نمی آورند. چه اینکه این مسائل پیشگیری برای بیرون از وجود آدمی تهیه شده است حال آن که بستر هر جرمی در درون آدمی اتفاق می افتد. به علاوه اینکه در بازپروری و باز اجتماعی کردن مجرم هم ناتوان است و فکری برای آن ندارد. و دست آخر اینکه هدف های نهادهای و مفاهیم جدید و مورد قبول جرم‌شناسان مانند عدالت ترمیمی و بزه دیده شناسی را برآورده نمی سازد. اما باورهای دینی به علت بی واسطه بودن و به دلیل همخوانی با درون آدمی و پذیرش فردی و مطابقت با فطرت افراد و تعیین مکانیزم هایی برای پاداش یا کیفر و همچنین پرورش دوباره بزهکار و باز

اجتماعی کردن آن نقش بسیار موثری در تعدیلات فردی و اجتماعی و داشتن جامعه ای سالم ایفا می نماید. دین و باورهای دینی اگر به طور صحیح به افراد آموزش داده شود و مفاهیم آن به خوبی در درون افراد نهادینه گردد به طور ماندگاری در فرد باعث تعدیلات گرایشهای افراد می گردد. و سد محکمی در برابر جرائم و انحرافات است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابراهیم پور لیالستانی، حسین، گزیده هایی از حقوق جزا در قرآن، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۱
- ۳- اشنایدر، ریچارد، کچین، تد، برنامه ریزی (شهری) برای پیشگیری از جرم، ترجمه فرزانه سجودی، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷
- ۴- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵
- ۵- ام. وولف، دیوید، روانشناسی دین، ترجمه محمد دهقانی، رشد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶
- ۶- آزرمی، معصومه بیگم، گناه زبان، تهران، تهذیب، چاپ چهارم، ۱۳۹۰
- ۷- آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و دررالکلم، ترجمه محمد علی انصاری، تهران، موسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، چاپ پنجم، ۱۳۸۷
- ۸- بیبی، ارل، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضافاضل، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران، ۱۳۸۱
- ۹- پارسا، محمد، زمینه روان شناسی نوین، تهران، بعثت، چاپ بیستم، ۱۳۸۳
- ۱۰- پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فن آوری، اخلاق کاربردی در ایران و اسلام، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول، ۱۳۸۹
- ۱۱- تمپلار، ریچارد، قوانین زندگی، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران، انتشارات ایران بان، چاپ دهم، ۱۳۹۲



- ۱۲- جلال الدین محمد، مولوی بلخی، مثنوی معنوی، قم، انتشارات سایه گستر، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ۱۳- جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، تهران، مرکز نشر اسراء، چاپ ششم، ۱۳۸۷
- ۱۴- چینیان، شه میرزادی، عبدالله حسین، انسان از خدا جدا نیست، تهران، انتشارات راستی نو، ۱۳۸۶
- ۱۵- حنیف نیا، ابراهیم، گامی به سوی خدا، انتشارات نوروزی، گرگان، چاپ اول، ۱۳۸۹
- ۱۶- دواس، دی ای، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، نشر نی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ۱۷- دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، مجموعه مقالات ارسالی نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، جلد اول، تهران، شرکت ناجی نشر، چاپ اول، ۱۳۸۹
- ۱۸- دیلمی، احمد، آذربایجان، مسعود، اخلاق اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ هفدهم، ۱۳۸۲
- ۱۹- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد پنجم، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی